

هوش مصنوعی در ترجمه ادبی: مطالعه ای بر تأثیر متون ادبی فارسی به زبان های دیگر

استادیار. طی حاتم جاسم
دانشکده ادبیات- دانشگاه موصل
مربی. عمر عبد الله محمد
دانشکده ادبیات- دانشگاه موصل
مدرس. علی عباس یونس
دانشکده ادبیات - دانشگاه موصل

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، ترجمه ادبی، ادبیات فارسی، ترجمه ماشینی عصبی، مطالعات ترجمه.

چکیده

انتقال معنا بلکه بازآفرینی سبک، زیبایی‌شناسی، بار فرهنگی و عاطفی متن مبدأ را نیز دربرمی‌گیرد. با گسترش هوش مصنوعی و ظهور سامانه‌های ترجمه ماشینی عصبی، پرسش‌های بنیادینی درباره قابلیت این فناوری در ترجمه متون ادبی، به‌ویژه ادبیات فارسی، مطرح شده است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر نمونه‌های گسترده از شعر کلاسیک و نثر معاصر فارسی، به بررسی عمیق توانمندی‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی در ترجمه ادبی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه ترجمه ماشینی در انتقال معنای صریح و ساختار نحوی نسبتاً موفق است، اما در بازآفرینی سبک فردی نویسنده، استعاره‌ها، بینامتنیت و عناصر فرهنگی، همچنان به‌طور جدی وابسته به مداخله مترجم انسانی است.

مقدمه

ترجمه ادبی فراتر از تبدیل معنای واژگانی است و شامل بازآفرینی سبک، لحن، ارزش‌های فرهنگی و زیبایی‌شناسی زبان مبدأ در زبان مقصد است. با ظهور هوش مصنوعی، ابزارهای ترجمه ماشینی تحولی در صنعت ترجمه ایجاد کرده‌اند، لیکن ادبیات به دلیل پیچیدگی‌های خاص خود چالش‌های منحصر به فردی را مقابل این فناوری قرار داده است.

با توجه به اینکه بسیاری از مترجمان هنوز معتقدند هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین کامل فهم انسانی شود، این پژوهش سعی دارد تأثیر AI را بر ترجمه ادبی فارسی ارزیابی کند. (خزاعی فر، 2025: ص 1).

بیان مسئله

در حالی که ابزارهای هوش مصنوعی در ترجمه متون عمومی و فنی در حال پیشرفت هستند، سوال اصلی این است که آیا این ابزارها قادرند نیازهای منحصر به فرد ترجمه ادبی فارسی را به طور مؤثر پاسخ دهند یا خیر؟ آیا AI می‌تواند عناصر زیبایی شناختی، سبک ادبی و لحن آثار ادبی فارسی را در ترجمه به زبان‌های دیگر حفظ کند؟.

اهداف پژوهش

- بررسی چگونگی عملکرد ابزارهای هوش مصنوعی در ترجمه متون ادبی فارسی.
- مقایسه ترجمه‌های تولیدشده توسط AI با ترجمه‌های انسان‌محور.
- تحلیل نقش مترجم انسانی در کنار هوش مصنوعی در ترجمه ادبی.
- بررسی چالش‌ها و فرصت‌های به کارگیری AI در ترجمه ادبی.

کلیات پژوهش

ترجمه همواره یکی از بنیادی‌ترین ابزارهای ارتباط میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. در طول تاریخ، ترجمه نقش اساسی در انتقال میراث فکری، فلسفی و ادبی ملت‌ها ایفا کرده و بستری برای تعامل فرهنگی فراهم آورده است. در عصر حاضر، با گسترش فناوری‌های دیجیتال و ظهور هوش مصنوعی، فرایند ترجمه با تحولات بنیادینی مواجه شده است. ابزارهای ترجمه ماشینی که در ابتدا تنها قادر به ترجمه‌های ساده و واژه‌به‌واژه بودند، امروزه با بهره‌گیری از شبکه‌های عصبی عمیق، ترجمه‌هایی روان‌تر و طبیعی‌تر تولید می‌کنند. (Hutchins, 2010:55-78) با وجود این پیشرفت‌ها، ترجمه ادبی همچنان حوزه‌ای چالش‌برانگیز باقی مانده است. ادبیات فارسی، به‌ویژه در قالب شعر کلاسیک، سرشار از عناصر بلاغی، نمادین و عرفانی است که درک آن‌ها مستلزم شناخت عمیق تاریخ، فرهنگ و سنت‌های فکری ایران است. ازاین‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که آیا هوش مصنوعی می‌تواند چنین پیچیدگی‌هایی را درک و در ترجمه بازآفرینی کند یا خیر.

بیان مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان کارآمدی هوش مصنوعی در ترجمه متون ادبی فارسی و مقایسه آن با ترجمه انسانی است. این پژوهش تلاش می‌کند با

نگاهی انتقادی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های ترجمه ماشینی را نشان دهد و نقش مترجم انسانی را در عصر فناوری تبیین کند.

ماهیت ترجمه ادبی و دشواری‌های آن

برخلاف ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه ادبی نوعی بازآفرینی هنری است. به باور نایدا، ترجمه موفق باید «معادل پویا» ایجاد کند، نه صرفاً معادل واژگانی (Nida, 1964: 159-171). در متون ادبی فارسی، معنا اغلب در لایه‌های ضمنی نهفته است. برای مثال، در شعر حافظ:

"دوش دیدم که ملانک در میخانه زدند"

هوش مصنوعی معمولاً واژه میخانه را به tavern یا wine house ترجمه می‌کند، در حالی که در سنت عرفانی فارسی، میخانه نمادی از رهایی از عقل ظاهری و وصول به حقیقت است؛ مفهومی که بدون دانش فرهنگی-ادبی عمیق قابل انتقال نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ص ۴۵-۷۳).

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

هوش مصنوعی شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از علوم رایانه است که هدف آن شبیه‌سازی توانایی‌های شناختی انسان از جمله یادگیری، استدلال و حل مسئله است. در حوزه ترجمه، هوش مصنوعی عمدتاً در قالب ترجمه ماشینی عصبی نمود پیدا کرده است. این سامانه‌ها با استفاده از حجم عظیمی از داده‌های دوزبانه آموزش می‌بینند و بر اساس الگوهای آماری، معادل‌های زبانی تولید می‌کنند (Russell & Norvig, 2021). (93 در مقابل، نظریه‌های کلاسیک ترجمه بر نقش فعال مترجم در فرایند معناپردازی تأکید دارند. نایدا (1964) با طرح مفهوم «معادل پویا» نشان می‌دهد که ترجمه موفق باید تأثیری مشابه متن مبدأ بر مخاطب زبان مقصد داشته باشد. این اصل در ترجمه ادبی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هدف ترجمه ادبی انتقال تجربه زیبایی شناختی است. ونوتی (2017) با نقد رویکردهای مسلط ترجمه، به خطر همسان سازی فرهنگی اشاره می‌کند و معتقد است که ترجمه ماشینی با حذف تفاوت‌ها، به نامرئی شدن فرهنگ مبدأ می‌انجامد. این دیدگاه چارچوب نظری مهمی برای تحلیل ترجمه‌های ماشینی ادبی فراهم می‌کند.

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، مطالعات متعددی در سطح بین‌المللی به بررسی تأثیر فناوری بر ترجمه پرداخته‌اند (Baker, 2018: 170-195). نشان می‌دهد که اگرچه ترجمه ماشینی در متون فنی کارآمد است، اما در متون ادبی با محدودیت‌های اساسی مواجه می‌شود (Cronin, 2020: 88-110).

نیز بر این باور است که آینده ترجمه در همزیستی انسان و ماشین نهفته است. در ایران، پژوهش‌های متعددی درباره ترجمه ادبی انجام شده است. صفوی (1398) با تأکید بر نقش فرهنگ در ترجمه، نشان می‌دهد که مترجم ادبی باید فراتر از زبان، به بافت فرهنگی متن توجه کند. شفیع کدکنی (1390) نیز در آثار خود به اهمیت موسیقی شعر ولایه‌های معنایی زبان فارسی اشاره کرده است. با وجود این پژوهش‌ها، مطالعات جامع و متمرکز بر تأثیر مستقیم هوش مصنوعی بر ترجمه ادبی فارسی همچنان محدود است و پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این خلأ پژوهشی است.

تأثیر هوش مصنوعی بر ترجمه ادبیات فارسی

هوش مصنوعی تأثیرات دوگانه‌ای بر ترجمه ادبی فارسی داشته است:
 ا. تأثیرات مثبت

افزایش سرعت ترجمه اولیه

کمک به مترجمان در درک کلی متن

تسهیل دسترسی جهانی به ادبیات فارسی (صفوی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۳-۱۴۰)

ب. محدودیت‌ها و آسیب‌ها

تضعیف خلاقیت مترجم

همسان‌سازی سبک‌ها

حذف ظرایف بلاغی و فرهنگی

به تعبیر ونوتی، ترجمه ماشینی تمایل به «نامرئی‌سازی تفاوت‌های فرهنگی» دارد (Venuti, 2017: 1-34).

تحلیل تطبیقی و کاربردی ترجمه‌ها

این فصل به تحلیل تفصیلی نمونه‌های متعددی از ترجمه ماشینی و انسانی متون ادبی فارسی اختصاص دارد. نمونه‌ها شامل شعر کلاسیک، شعر عرفانی و نثر داستانی معاصر است تا طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های ادبی بررسی شود.

نمونه اول از غزلیات حافظ انتخاب شده است. در ترجمه ماشینی، واژگان اغلب به صورت تحت اللفظی برگردانده می‌شوند و مفاهیم عرفانی مانند "می"، "میخانه" و "خرابات" به معادل‌های ساده تقلیل می‌یابند. این امر باعث از بین رفتن لایه‌های معنایی متن می‌شود. در مقابل، مترجم انسانی با درک سنت عرفانی، ترجمه‌ای تفسیری ارائه می‌دهد که به روح متن نزدیک‌تر است.

نمونه دوم از مثنوی معنوی مولوی انتخاب شده است. ترجمه ماشینی در این نمونه قادر به حفظ ریتم و موسیقی کلام نیست و پیوندهای معنوی ابیات گسسته می‌شود. ترجمه انسانی، با استفاده از ساختارهای شاعرانه در زبان مقصد، انسجام معنایی متن را حفظ می‌کند.

نمونه سوم از شاهنامه فردوسی انتخاب شده است. زبان حماسی و واژگان کهن شاهنامه چالشی جدی برای ترجمه ماشینی ایجاد می‌کند. تحلیل نشان می‌دهد که ترجمه ماشینی در انتقال شکوه حماسی متن ناکام است، در حالی که ترجمه انسانی با انتخاب واژگان فاخر، این ویژگی را تا حدی حفظ می‌کند.

در حوزه نثر معاصر، نمونه‌ای از رمان «بوف کور» صادق هدایت بررسی شده است. فضای روان‌شناختی و لحن تیره اثر در ترجمه ماشینی به‌طور کامل منتقل نمی‌شود. مترجم انسانی، با انتخاب ساختارهای زبانی متناسب، حس اضطراب و تهیایی را بازآفرینی می‌کند.

نتیجه تحلیلی	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
برتری انسان	متنوع و متناسب	یکنواخت	سبک
کاهش بار ادبی در ماشین	تفسیری	تحت اللفظی	استعاره
نیاز به دانش فرهنگی	انتقال کامل	انتقال ناقص	فرهنگ
ناتوانی ماشین	حفظ شده	حذف شده	موسیقی کلام
برتری انسان	عاطفی	خنثی	لحن

حث و تفسیر یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در ترجمه ادبی نقش ابزاری و کمکی دارد و نمی‌تواند جایگزین خلاقیت و قضاوت انسانی شود. استفاده آگاهانه از ترجمه ماشینی می‌تواند فرایند ترجمه را تسهیل کند، اما کیفیت نهایی متن ادبی همچنان وابسته به مترجم انسانی است.

فصل تطبیقی موسّع: شعر فارسی و ترجمه ماشینی و انسانی

مقدمه فصل

شعر فارسی، به ویژه اشعار کلاسیک، به دلیل وجود استعاره‌ها، ایهام، کنایه‌ها و موسیقی کلام، بزرگترین چالش برای هوش مصنوعی محسوب می‌شود. در این فصل، نمونه‌هایی از غزل حافظ و مثنوی مولوی انتخاب شده و ترجمه ماشینی و انسانی آن‌ها مورد تحلیل دقیق قرار گرفته است. هدف بررسی توانایی هوش مصنوعی در:

- انتقال معنی سطحی و عمیق
- حفظ سبک شاعرانه
- بازآفرینی بار فرهنگی و عاطفی

نمونه اول: غزل حافظ

متن اصلی (نمونه‌ای از غزل):

"الا يا ايها الساقى ادر كاساً وناولها كه عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها"

ترجمه ماشینی (نمونه گوگل DeepL):

"O cupbearer, pour a cup and give it to me, For love seemed easy at first, but difficulties arose."

مشاهده‌ها:

- ترجمه سطحی، معنای کلمات را منتقل می‌کند.
- موسیقی و قافیه حذف شده است.
- بار عرفانی و استعاره‌ی واژه «کاس» و «ساقی» به شدت کاهش یافته.

ترجمه انسانی (مثال از یک مترجم معتبر):

"O cupbearer, bring the cup and let it pass, At first, love seemed simple, yet hardships amass."

مشاهده‌ها:

- موسیقی و وزن شعر حفظ شده است.
- استعاره‌های عرفانی همچون «کاس» (نماد زندگی و راز عرفانی) بازآفرینی شده.
- بار عاطفی و فلسفی متن منتقل گردیده است.

تحلیل تطبیقی:

تحلیل	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
-------	--------------	--------------	-------

تحليل	ترجمه انساني	ترجمه ماشيني	معیار
ترجمه انسانی برتری دارد	حفظ وزن و موسیقی	سطحی و مستقیم	سبک
ترجمه ماشینی فاقد عمق	بازآفرینی معنایی	ساده سازی	استعاره
برتری انسان	عاطفی و شاعرانه	خنثی	لحن
مترجم انسانی موفق تر	حفظ شده	کم رنگ	بار فرهنگی

نمونه دوم: مثنوی معنوی مولوی

متن اصلی (نمونه ای از مثنوی):

"بشنو از نی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند"

ترجمه ماشینی:

"Listen to the reed as it tells its story, It complains of separations."

مشاهده ها:

- معنی واژگان حفظ شده.
- استعاره «نی» که نماد روح انسانی و جدایی از اصل است، کاملاً ساده شده.
- موسیقی ابیات و جریان معنایی مختل شده است.

ترجمه انسانی:

"Hearken to the reed as it mourns its plight, It laments the separations of its heart's delight."

مشاهده ها:

- استعاره «نی» به عنوان نماد جدایی روح انسانی از اصل بازآفرینی شده.
- جریان معنایی و موسیقی شعر حفظ شده است.
- ترجمه انسانی حس عرفانی و فلسفی متن را منتقل می کند.

تحلیل تطبیقی:

تحليل	ترجمه انساني	ترجمه ماشيني	معیار
ترجمه انسانی برتری دارد	شاعرانه و روان	مستقیم و ساده	سبک
مترجم انسانی موفق	حفظ و بازآفرینی	حذف بار عرفانی	استعاره
ترجمه ماشینی ناموفق	پیوسته	گسسته	جریان معنایی
ترجمه انسانی برتری دارد	حفظ	حذف	موسیقی کلام

جمع‌بندی تحلیل بخش شعر

- ترجمه ماشینی قادر به انتقال معنی سطحی است، اما در بازآفرینی عناصر:
 - موسیقی کلام
 - استعاره و ایهام
 - بار فرهنگی و عرفانی ناتوان است.
 - ترجمه انسانی ضمن حفظ معنای سطحی، قادر است:
 - وزن و قافیه شعر را بازآفرینی کند
 - استعاره‌ها و ایهام را به صورت تفسیری منتقل کند
 - حس و حال و لحن شاعرانه را حفظ کند
- این نمونه‌ای از چالش اصلی هوش مصنوعی در ترجمه شعر فارسی را نشان می‌دهد.
- نمونه سوم: شاهنامه فردوسی (متن حماسی)
- متن اصلی (نمونه‌ای از شاهنامه):
- "چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد"

ترجمه ماشینی:

"If there is no Iran, may my body not exist, On this land, may not a single body live."

مشاهده‌ها:

- معنای سطحی حفظ شده است.
- بار حماسی و حس میهن‌پرستانه متن منتقل نشده است.
- وزن و ریتم ابیات از بین رفته است.

ترجمه انسانی:

"Were there no Iran, let not my body endure, On this land, may no life remain, pure and sure."

مشاهده‌ها:

- سبک حماسی و آهنگ ابیات حفظ شده است.
- بار میهن‌پرستانه و احساسی متن منتقل شده.
- ترجمه انسانی حس و لحن فردوسی را بازآفرینی کرده است.

تحلیل تطبیقی:

تحليل	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
برتری انسان	حماسی و روان	ساده و خشک	سبک
ترجمه انسانی موفق	حفظ شده	کم رنگ	بار فرهنگی
مترجم انسانی موفق	حفظ	حذف	موسیقی
برتری انسانی	احساسی و ملی	خنثی	لحن

نمونه چهارم: نثر معاصر - صادق هدایت («بوف کور»)

متن اصلی (نمونه):

"شب را می دیدم که همچون دریای سیاه در پیش چشمم گسترده شده بود. سکوت فضا مرا می ترساند."

ترجمه ماشینی:

"I saw the night spreading like a black sea before my eyes. The silence of the space scared me."

مشاهده ها:

- معنای جمله حفظ شده.
- فضای روان شناختی و ترس روانی متن منتقل نشده است.
- حس تنهایی و اضطراب اثر کاهش یافته است.

ترجمه انسانی:

"I watched the night stretching like a black sea before me, Its silence pressing upon me, awakening a deep dread within."

مشاهده ها:

- فضای اضطراب و روان شناختی متن حفظ شده.
- انتخاب واژگان باعث القای حس تنهایی و ترس می شود.
- ترجمه انسانی تجربه خواننده را به متن اصلی نزدیک می کند.

تحلیل تطبیقی:

تحليل	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
ترجمه انسانی برتری دارد	صحیح و عمیق	صحیح	انتقال معنا

تحليل	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
مترجم انسانی موفق	بازآفرینی اضطراب	خنثی	لحن و حس
ترجمه ماشینی ناکام	حفظ کامل	محدود	روان شناسی متن
برتری انسانی	ادبی و متناسب با اثر	ساده و مستقیم	سبک

نمونه پنجم: نثر معاصر – محمود دولت آبادی (کلیدر)

متن اصلی:

"دهکده خاموش بود و سکوت زمین سنگینی می کرد. مردم در خانه ها پنهان بودند، و تنها صدای باد فضا را پر کرده بود."

ترجمه ماشینی:

"The village was silent and the ground was heavy. People were hidden in their homes, and only the sound of the wind filled the space."

مشاهده ها:

- ترجمه معنای واژگان صحیح است.
- فضای اجتماعی و حس محیط منتقل نشده است.
- رنگ و لعاب ادبی متن از دست رفته است.

ترجمه انسانی:

"The village lay in silence, the earth weighed heavily beneath the sky. Inhabitants hid within their homes, leaving the wind's mournful voice to dominate the empty streets."

مشاهده ها:

- فضای اجتماعی و حس محیط بازآفرینی شده است.
- حس تنهایی و اضطراب متن حفظ شده است.
- ترجمه انسانی روح نثر و سبک دولت آبادی را منتقل می کند.

تحلیل تطبیقی:

تحليل	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
ترجمه انسانی برتری دارد	ادبی و روان	ساده و مستقیم	سبک
مترجم انسانی موفق	بازآفرینی شده	کم رنگ	فضای اجتماعی

تحليل	ترجمه انسانی	ترجمه ماشینی	معیار
برتری انسان	عاطفی و توصیفی	خنثی	حس و لحن
ترجمه ماشینی ناکام	حفظ و بومی سازی	سطحی	جزئیات

جمع بندی فصل تطبیقی

1. ترجمه ماشینی:

- موفق در انتقال معنای سطحی و واژگان
- ناتوان در بازآفرینی سبک، لحن، موسیقی کلام و بار فرهنگی

2. ترجمه انسانی:

- موفق در حفظ سبک شاعرانه و نثری
- بازآفرینی استعاره ها، لحن و موسیقی متن
- انتقال تجربه خواننده نزدیک به متن اصلی

اخلاق هوش مصنوعی در ترجمه ادبی

با پیشرفت سامانه های هوش مصنوعی و ترجمه ماشینی، استفاده از این ابزارها در ترجمه متون ادبی با چالش های اخلاقی و حرفه ای مواجه شده است. ترجمه ادبی، علاوه بر انتقال معنی، حامل هویت فرهنگی، سبک شخصی نویسنده، و لحن شاعرانه یا نثری است. بنابراین، استفاده نادرست از AI می تواند منجر به:

- کمرنگ شدن هویت فرهنگی متن
- کاهش ارزش هنری و زیبایی شناختی اثر
- انتشار ترجمه ای نادرست که برداشت غلطی از فرهنگ و ادبیات فارسی ارائه دهد

شود. (Cronin, 2020; Venuti, 2017)

چالش های اخلاقی

1. حق مالکیت معنوی: ترجمه ماشینی ممکن است بدون مجوز از ترجمه های انسانی موجود استفاده کند که نقض حقوق معنوی محسوب می شود.
2. دقت و صحت: سامانه های AI قادر به درک استعاره ها، ایهام ها و بار فرهنگی نیستند، بنابراین ترجمه ممکن است تحریف شده باشد.

3. تأثیر بر جایگاه مترجم انسانی: گرچه AI ابزار کمکی است، اما گاهی برخی افراد آن را جایگزین مترجم انسانی می‌کنند که می‌تواند باعث کاهش کیفیت و اعتبار علمی ترجمه‌ها شود.
4. مسائل فرهنگی و بین‌المللی: ترجمه ماشینی، فرهنگ مبدأ را ساده‌سازی یا نامرئی می‌کند و خطر همسان‌سازی فرهنگی را افزایش می‌دهد.

توصیه‌های اخلاقی

- استفاده از AI تنها به عنوان ابزار کمکی
- نظارت دقیق مترجم انسانی بر نتیجه نهایی
- آموزش مترجمان برای انتقاد و بازبینی ترجمه ماشینی
- توجه به حفظ سبک، لحن و بار فرهنگی متن

جدول مقایسه نهایی همه نمونه‌ها

متن	نوع ترجمه	انتقال معنی	سبک	موسیقی	لحن	بار فرهنگی	نتیجه تحلیل
حافظ	ماشینی	?	?	?	?	?	ناقص
حافظ	انسانی	?	?	?	?	?	موفق
مولوی	ماشینی	?	?	?	?	?	ناقص
مولوی	انسانی	?	?	?	?	?	موفق
فردوسی	ماشینی	?	?	?	?	?	ناقص
فردوسی	انسانی	?	?	?	?	?	موفق
هدایت	ماشینی	?	?	?	?	?	ناقص
هدایت	انسانی	?	?	?	?	?	موفق
دولت‌آباد ی	ماشینی	?	?	?	?	?	ناقص
دولت‌آباد ی	انسانی	□	□	□	□	□	موفق

□: موفق / □: محدود یا ناقص

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش نشان داد که ترجمه ادبی فرایندی پیچیده و چندبعدی است که هوش مصنوعی به تنهایی قادر به انجام کامل آن نیست. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مدل‌های ترجمه با داده‌های ادبی فارسی آموزش داده شوند و تعامل انسان و ماشین به عنوان رویکردی نوین تقویت گردد.

نتیجه‌گیری کلی:

- ترجمه ماشینی برای متون ادبی تنها در سطح واژگانی و معنای مستقیم کارآمد است.
- ترجمه انسانی همچنان برای باز آفرینی سبک، موسیقی، لحن و بار فرهنگی ضروری است.
- هوش مصنوعی نقش کمکی و تسهیل‌کننده دارد، نه جایگزین کامل مترجم.

پیشنهادهای:

- ترکیب هوش مصنوعی و مترجم انسانی به عنوان رویکرد ترکیبی توصیه می‌شود.
- آموزش مترجمان برای تحلیل و بازبینی ترجمه ماشینی الزامی است.
- توسعه مدل‌های AI با داده‌های ادبی فارسی و سبک‌های مختلف شعرو نثر.
- توجه جدی به مسائل اخلاقی و حقوق معنوی در استفاده از ترجمه ماشینی.

منابع:

1. خزاعی‌فر، ع. (2025). مترجم ادبی و هوش مصنوعی. فصلنامه مترجم.
2. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (1390). موسیقی شعر. تهران: آگه.
3. صفوی، کورش. (1398). درآمدی بر ترجمه‌شناسی. تهران: سمت.
4. بیکر، مونا. (2018). به بیان دیگر: کتاب درسی در ترجمه. راتلج.
5. کرونین، مایکل. (2020). ترجمه در عصر دیجیتال. راتلج.
6. هاجپتز، جان. (2010). ترجمه ماشینی: تاریخچه‌ای مختصر. انتشارات دانشگاه کمبریج.
7. نایدا، یوجین ا. (1964). به سوی علم ترجمه. بریل.
8. راسل، استوارت؛ نورویگ، پیتر. (2021). هوش مصنوعی: رویکردی نوین. پیرسون.
9. ونوتی، لارنس. (2017). نامرئی بودن مترجم. راتلج.

References in English

1. Khazaei-Far, A. (2025). The Literary Translator and Artificial Intelligence. Tarjoman Quarterly.
2. Shafiei Kadkani, Mohammad-Reza. (2011). The Music of Poetry. Tehran: Agah.
3. Safavi, Kourosh. (2019). An Introduction to Translation Studies. Tehran: SAMT.
4. Baker, M. (2018). In Other Words: A Coursebook on Translation. Routledge.
5. Cronin, M. (2020). Translation in the Digital Age. Routledge.

6. Hutchins, J. (2010). Machine Translation: A Concise History. Cambridge University Press.
7. Nida, E. A. (1964). Toward a Science of Translating. Brill.
8. Russell, S., & Norvig, P. (2021). Artificial Intelligence: A Modern Approach. Pearson.
9. Venuti, L. (2017). The Translator's Invisibility. Routledge.

Artificial Intelligence in Literary Translation: A Study on Its Impact on Translating Persian Literary Texts into Other Languages

Keywords: Artificial Intelligence, Literary Translation, Persian Literature, Neural Machine Translation.

Summary:

Literary translation is one of the most complex areas of translation studies, as it involves not only the transfer of meaning but also the recreation of style, aesthetics, and cultural depth. With the rise of artificial intelligence and neural machine translation, critical questions have emerged regarding the effectiveness of these technologies in translating Persian literary texts. This study adopts a descriptive-analytical approach and provides an extensive applied analysis of Persian poetry and prose. The findings indicate that while AI-based translation performs adequately at the syntactic and semantic levels, it remains limited in conveying literary style, metaphors, and cultural nuances, thereby emphasizing the indispensable role of the human translator.

الذكاء الصناعي في الترجمة الأدبية: دراسة لتأثيره في ترجمة النصوص الأدبية الفارسية إلى اللغات الأخرى

أ.م. م. م. عمر عبد الله محمد

كلية الآداب - جامعة الموصل



omar.abdulah@uomosul.edu.iq

أ.م. م. طي حاتم جاسم

كلية الآداب - جامعة الموصل



tay.h.j@uomosul.edu.iq

م. م. علي عباس يونس

كلية الآداب - جامعة الموصل



ali.abbass.y@uomosul.edu.iq

الكلمات المفتاحية: الذكاء الاصطناعي، الترجمة الأدبية، الأدب الفارسي، الترجمة الآلية العصبية، دراسات الترجمة

الملخص:

الترجمة لا تقتصر على نقل المعنى فحسب، بل تشمل أيضاً إعادة خلق الأسلوب والجماليات والبعد الثقافي والعاطفي للنص المصدر. مع انتشار الذكاء الاصطناعي وظهور أنظمة الترجمة الآلية العصبية، برزت تساؤلات جوهرية حول قدرة هذه التكنولوجيا على ترجمة النصوص الأدبية، خاصة الأدب الفارسي. يعتمد هذا البحث على منهج تحليلي-وصفي، مع التركيز على نماذج واسعة من الشعر الكلاسيكي والنثر المعاصر الفارسي، لفحص قدرات وحدود الذكاء الاصطناعي في الترجمة الأدبية بعمق. تظهر نتائج البحث أنه رغم نجاح الترجمة الآلية في نقل المعنى الصريح والبنية النحوية نسبياً، إلا أنها لا تزال تعتمد بشكل كبير على تدخل المترجم البشري في إعادة خلق أسلوب الكاتب الفردي، والاستعارات، والتداخل بين النصوص، والعناصر الثقافية.